

From Mourning to Care: A Feminist Discourse Analysis of the Recitations of English-Speaking American Shia Women

Hossein Zaheri Abdeh Vand¹

Rohollah Nuradini²

Abstract

In recent decades, the emergence of a new generation of Shi'i women poets in the United States and their use of the spoken-word performance genre have given rise to a distinctive phenomenon within diaspora literature. The central concern of this study is how these poets negotiate the intersection of religious identity and Western feminist discourses, a context that necessitates a renewed understanding of women's agency in Shi'i history. The article seeks to answer the question of how the components of the ethics of care are employed in these poems as a means of reclaiming and reconstructing female agency. Adopting a descriptive-analytical approach, the study draws upon Carol Gilligan's theory of the ethics of care and Saba Mahmood's concept of agency to examine the works of poets such as Sayyida Fatima Reza, Batool Rizvi, and Zainab Husain. The findings reveal that these poets deconstruct the conventional notion of mourning, transforming lamentation from a passive emotional response into a political and narrative act. Moreover, the embodiment of the ethics of care through metaphors such as the "lullaby" and "nurturing" reinterprets women's traditional roles as the highest expressions of moral courage and resistance to tyranny. Ultimately, this strategic discourse, situated within the diasporic context, not only deconstructs Orientalist stereotypes but also creates a "Third Space" for the reconstruction of female empowerment grounded in Shi'i narrative theology.

Keywords: Shi'i Literature; Shi'i Women in the United States; Ethics of Care; Spoken-Word Poetry; Diaspora Literature.

1. Faculty Member, Department of Islamic Studies, Payame Noor University, Masjed Soleyman, Khuzestan, Iran, zaheri110@pnu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Farhangian University of Kerman, darentezarenoor@chmail.ir

از سوگ تا مراقبت: تحلیل گفتمان زنانه‌نگر در دکلمه‌های زنان شیعه انگلیسی‌زبان آمریکا

حسین ظاهری عبده‌وند^۱

روح‌الله نورالدینی شاه آبادی^۲

چکیده

در دهه‌های اخیر، ظهور نسل جدیدی از بانوان شاعر شیعه در آمریکا و استفاده آن‌ها از قالب دکلمه، منجر به شکل‌گیری پدیده‌ای نوظهور در ادبیات دیاسپورا شده است. مسئله اصلی این پژوهش، مواجهه این شاعران با تقاطع هویت مذهبی و گفتمان‌های زنانه‌نگر غربی است که ضرورت بازخوانی عاملیت زنان در تاریخ شیعه را ایجاب می‌کند. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که مؤلفه‌های «اخلاق مراقبت» چگونه در این اشعار به عنوان ابزاری برای احیای عاملیت زنانه به کار گرفته می‌شوند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر نظریه «اخلاق مراقبت» کارول گیلیگان و مفهوم «عاملیت» صبا محمود، به واکاوی اشعار شاعرانی چون سیده فاطمه رضا، بتول رضوی و زینب حسین می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این شاعران با شالوده‌شکنی از مفهوم «سوگ»، عزاداری را از واکنشی منفعل به کنشی سیاسی و روایی ارتقا داده‌اند. همچنین، تجلی اخلاق مراقبت در استعاره‌هایی چون «لالایی» و «تیمار»، نقش‌های سنتی زنان را به عنوان بالاترین سطح شجاعت اخلاقی و مقاومت در برابر استبداد بازنمایی می‌کند. در نهایت، این گفتمان استراتژیک در بستر دیاسپورا، ضمن واسازی کلیشه‌های شرق‌شناسانه، «فضای سومی» برای بازتولید قدرت زنانه بر مبنای الهیات روایی شیعه فراهم آورده است.

واژه‌های کلیدی: شیعه، زنان آمریکا، اخلاق مراقبت، دکلمه، ادبیات دیاسپورا

۱. مربی. عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی. دانشگاه پیام نور. واحد مسجدسلیمان. خوزستان. ایران.

zaheri110@pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه معارف اسلامی. دانشگاه فرهنگیان. کرمان. ایران. darentezarenoor@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ . تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، زیست‌شیعیان در جوامع غربی، به ویژه در ایالات متحده آمریکا، منجر به شکل‌گیری پدیده‌های فرهنگی و ادبی نوپدید شده است. یکی از برجسته‌ترین این پدیده‌ها، ظهور نسل جدیدی از بانوان شاعر است که با بهره‌گیری از قالب اجرایی «دکلمه»^۱ به بازخوانی هویتی و مذهبی خود می‌پردازند. این هنرمندان دیاسپورا، در تقاطع پیچیده‌ای قرار دارند؛ آن‌ها از یک سو میراث‌دار کلان‌روایت‌های تاریخی و الهیاتی شیعه هستند و از سوی دیگر، در فضای آکادمیک و اجتماعی‌ای تنفس می‌کنند که گفتمان‌های زنانه‌نگر و مطالعات عاملیت زنان در آن دارای هژمونی است. در چنین فضایی، چگونگی بازنمایی زنان تاریخ‌ساز اسلام-به ویژه بانوان حاضر در حماسه عاشورا- به یک چالش گفتمانی و در عین حال، یک فرصت استراتژیک برای احیای هویت تبدیل می‌شود. در این مفهوم دیاسپورا^۲ به پراکندگی جمعیت یک قوم یا ملت از سرزمین مادری به مناطق مختلف جهان اطلاق می‌شود که در آن، گروه‌های پراکنده با وجود زندگی در جوامع میزبان، همچنان پیوندهای فرهنگی، تاریخی و هویتی خود را با سرزمین مادری حفظ می‌کنند و اغلب نوعی آگاهی جمعی نسبت به منشأ مشترک و سرزمین اصلی دارند (Safran, 1991: 83). این واژه در زبان فارسی به صورت وام‌واژه استفاده می‌شود و معادل مصوبی برای آن یافت نشد.

خوانش‌های سنتی و تقلیل‌یافته از وقایع تراژیک تاریخ شیعه، در طول زمان غالباً چهره‌ای منفعل و صرفاً «سوگوار» از زنان ارائه داده‌اند. این در حالی است که جامعه پویای امروز-چه در فضای دیاسپورا و چه در جوامع مبدأ نظیر ایران که به طور جدی درگیر بازاندیشی جایگاه اجتماعی زنان و جست‌وجوی الگوهای کارآمد بومی است- به شدت نیازمند خوانش‌هایی فعالانه‌تر از سنت دینی است. عنوان پژوهش حاضر،

1. Spoken Words.

2. Diaspora

یعنی «از سوگ تا مراقبت»، دقیقاً به همین تغییر پارادایم ضروری اشاره دارد. شاعران انگلیسی‌زبان شیعه، با درک این ضرورت زمانه، دست به یک شالوده‌شکنی فرمیک و محتوایی می‌زنند. آن‌ها با برجسته کردن مفهوم «اخلاق مراقبت»^۱ که در ادبیات زنانه‌نگر به معنای حفظ پیوندهای انسانی، تیمار آسیب‌دیدگان و مسئولیت‌پذیری در دل بحران است، نشان می‌دهند که مراقبت‌های زنانه نه یک نقطه ضعف احساسی، بلکه تندترین شکل مقاومت و کنشگری سیاسی است. این رویکرد، ظرفیت‌های درونی الهیات روایی شیعه را برای هم‌گامی با مطالبات مدرن زنان، بدون نیاز به استقراض از الگوهای سکولار غربی، به منصه ظهور می‌رساند. از این منظر، دکلمه‌های این بانوان در آمریکا صرفاً متونی ادبی برای سوگواری نوستالژیک نیستند؛ بلکه مانیفست‌هایی هویتی به شمار می‌روند که عاملیت سوژه‌های حاشیه‌نشین را از دل تاریخ بیرون کشیده و به مخاطب امروز عرضه می‌کنند. با توجه به نوپدید بودن این جریان ادبی قدرتمند و فقدان مطالعات انتقادی پیرامون آن در مجامع دانشگاهی داخل کشور، بررسی انتقادی این متون امری ضروری می‌نماید. شناخت سازوکاری که این شاعران برای بازتولید قدرت زنانه به کار می‌برند، می‌تواند افق‌های جدیدی را در مطالعات ادبیات آیینی و مطالعات زنان در ایران بگشاید. بر این اساس، پژوهش پیش رو در پی پاسخ به این پرسش بنیادین است: دکلمه‌های زنان شیعه انگلیسی‌زبان در آمریکا، چگونه با گذر از بازنمایی منفعلانه سوگ، مؤلفه‌های اخلاق مراقبت را به عنوان یک گفتمان زنانه‌نگر و ابزاری برای احیای عاملیت زنانه در روایات اهل بیت^(ع) به کار می‌گیرند؟

به نظر می‌رسد بانوان شاعر شیعه در دیاسپورای آمریکا، با عبور از بازنمایی‌های سنتی و تقلیل‌یافته، مؤلفه‌های اخلاق مراقبت، (نظیر تیمار، لالایی و حفظ پیوندهای عاطفی) را از یک واکنش منفعلانه به یک کنش سیاسی و پادگفتمان زنانه‌نگر ارتقا داده‌اند. فرضیه این پژوهش آن است که این شاعران با اتکا بر هستی‌شناسی ارتباطی

زنانه، عاملیت زنان را در واقعه عاشورا احیا کرده و هم‌زمان کلیشه‌های شرق‌شناسانه مبنی بر انفعال زن مسلمان را در فضای جامعه غربی واسازی می‌کنند.

این پژوهش با رویکرد کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. چارچوب نظری مطالعه مبتنی بر رویکرد «تحلیل گفتمان زنانه‌نگر» با تمرکز ویژه بر نظریه اخلاق مراقبت (مبتنی بر آرای کارول گیلیگان و نل نادینگز) و مفهوم عاملیت زنانه (با تکیه بر آرای صبا محمود) است. شیوه گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اسنادی است؛ بدین منظور پیکره‌ای از متون دکلمه‌های بانوان شاعر شیعه در آمریکا، از جمله سیده فاطمه رضا، بتول رضوی و زینب حسین استخراج و ترجمه شده است. در مرحله تجزیه و تحلیل، میدان واژگانی، استعاره‌ها و دال‌های مرکزی این اشعار به صورت هدفمند و با رویکرد نشانه‌شناختی-گفتمانی مورد واکاوی قرار گرفته‌اند. به منظور پاسخ‌گویی به پرسش پژوهش، مقاله حاضر در سه گام اصلی سامان یافته است: در بخش نخست، پس از مرور پیشینه، مبانی نظری تحقیق شامل تبیین تقابل اخلاق مراقبت با اخلاق عدالت‌محور و واکاوی مفهوم «عاملیت زنانه» ارائه می‌گردد. در بخش دوم (بحث اصلی)، پیکره متنی اشعار و دکلمه‌ها معرفی شده و سپس خوانش شالوده‌شکنانه این متون از مفهوم «سوگ» و تجلی اخلاق مراقبت در استعاره‌های شاعرانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در نهایت و در گام سوم، با استفاده از رویکرد تقاطع‌نگری، دلایل و کارکردهای انتخاب این گفتمان مهم توسط بانوان شاعر در بستر دیاسپورای آمریکا بررسی و جمع‌بندی خواهد شد.

در گزینش متون ادبی این پژوهش، دو معیار کلیدی مد نظر قرار گرفته است: عمومی بودن و پادگفتمانی بودن. اشعار و دکلمه‌های انتخاب شده، از نوع ادبیات مکتوب محبوس در کتابخانه‌ها نیستند؛ بلکه ماهیتاً «عمومی» هستند. این آثار در بسترهای عمومی، شبکه‌های اجتماعی و رویدادهای زنده مانند برنامه‌های مؤسسه

اهل بیت^۱ منتشر شده‌اند. این دسترس‌پذیری عمومی باعث می‌شود که این اشعار فراتر از یک متن شخصی، به عنوان یک رسانه جمعی عمل کنند که مستقیماً با بدنه جامعه آمریکا (اعم از شیعه و غیر شیعه) در ارتباط است. انتخاب این اشعار به دلیل زبان تبلیغی و اقناعی آن‌هاست. این بانوان شاعر آگاهانه از زبان انگلیسی و قالب محبوب دکلمه استفاده می‌کنند تا پیام اهل بیت^(ع) را به گوش مخاطبی برسانند که با سنت‌های روایی کهن آشنا نیست. لذا این اشعار، بهترین نمونه برای بررسی این موضوع هستند که چگونه تفکر شیعی برای دیگری غربی بازتولید و ترجمه می‌شود. در اینجا است که اخلاق مراقبت به عنوان یک زبان مشترک جهانی برای معرفی چهره انسانی و مقتدر دین به کار گرفته شده است.

۲. پیشینه و مبانی نظری تحقیق

۲-۱. پیشینه تحقیق

مرور ادبیات پژوهشی در حوزه مطالعات زنان، ادبیات آیینی و فلسفه اخلاق نشان می‌دهد که رویکرد مراقبت‌محور در شعر آیینی شاعران شیعه خارج از مرزهای ایران کمتر مورد بررسی قرار گرفته و محدود به شاعران عرب‌زبان است. با این حال با مطالعه پژوهش‌های پیشین، می‌توان آثار علمی محدودی را مورد ارزیابی قرار داد؛ از جمله سیفی و انصاری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با بررسی اشعار برجسته، نشان می‌دهند که در ترسیم شخصیت حضرت زینب^(س) در شعر عاشورایی فارسی، مفاهیمی چون شجاعت و دلاوری بیش از دیگر صفات تجلی یافته است. با این حال، تحلیل این کنشگری‌ها در آثار مشابه، کمتر با نظریات مدرن زنانه‌نگر پیوند خورده است. از منظر مطالعات جامعه‌شناختی نیز کیانی (۱۴۰۲) در پژوهشی کیفی به این نتیجه می‌رسد که درک معنایی زنان از واقعه عاشورا غالباً در یک «گفتمان سنتی و

عاطفی» محصور مانده و با ناتوانی در درک عاملیت همراه است. به جز این مقالات می‌توان پژوهش‌هایی در مورد اخلاق مراقبت یافت که بر کاربست نظریه اخلاق مراقبت تمرکز دارد، مانند اسلامی (۱۳۸۷)؛ اما مشخصاً متغیر این مقاله مسئله‌ای ادبی نبوده و صرفاً جنسیت و اخلاق مراقبت را بررسی می‌کند که از جهت وجود و در دسترس بودن پژوهش‌های دست اول مانند آثار گیلیگان و جاگر استناد به این قبیل مقالات چندان وجه علمی‌ای ندارد. با این اوصاف خلأ پژوهشی آشکاری در پیوند این دو عرصه - ادبیات عاشورایی و اخلاق مراقبت محور - به چشم می‌خورد. در مطالعاتی که در پی بازخوانی عاملیت زنانه از دل متون شعری هستند، تاکنون هیچ پژوهشی به واکاوی مفهوم اخلاق مراقبت در دکلمه‌های انگلیسی‌زبان بانوان شاعر شیعه نپرداخته است. پژوهش حاضر درصدد است با پر کردن این شکاف، نشان دهد که چگونه این شاعران، سوگ عاشورایی را به ابزاری برای احیای عاملیت زنان در بستر جامعه آمریکا تبدیل کرده‌اند.

۲-۲. تبیین اجمالی نظریه اخلاق مراقبت در برابر اخلاق عدالت محور

در روان‌شناسی رشد اخلاقی و فلسفه اخلاق معاصر، تقابل دو پارادایم اخلاق عدالت^۱ و اخلاق مراقبت یکی از مباحث بنیادین در نقد ساختارهای مسلط فکری محسوب می‌شود. لارنس کلبِرگ^۲ با طرح مراحل رشد اخلاقی، الگویی را ارائه داد که در آن تکامل اخلاقی براساس توانایی سوژه در استدلال انتزاعی، استقلال فردی و رعایت اصول جهان‌شمول سنجیده می‌شود (کلبِرگ، ۱۹۸۱). در این رویکرد عدالت محور، عقلانیت در مرکز تصمیم‌گیری‌ها قرار دارد و رعایت حقوق و قوانین انتزاعی، بالاترین سطح بلوغ اخلاقی تلقی می‌گردد.

1. Ethics of Justice

2. Lawrence Kohlberg

در نقد این رویکرد، کارول گیلیگان^۱ نظریه اخلاق مراقبت را پایه‌گذاری کرد. گیلیگان استدلال نمود که مدل کلبرگ دارای سوگیری جنسیتی است و صدای اخلاقی متفاوتی را که غالباً در تجربه زیسته زنان یافت می‌شود، نادیده می‌گیرد. وی در پژوهش‌های خود نشان داد که در برابر تمرکز بر قوانین انتزاعی، رویکرد دیگری وجود دارد که اخلاق را بر مبنای مسئولیت‌پذیری، حفظ روابط انسانی و درک وابستگی متقابل^۲ ارزیابی می‌کند (گیلیگان، ۱۹۸۲: ۷۳). در اخلاق مراقبت، دغدغه محوری نه اجرای بی‌قید و شرط قانون، بلکه توجه به بافتار موقعیت، پیشگیری از آسیب و حفظ پیوندهای ارتباطی است.

در تکمیل این مباحث از منظر معرفت‌شناسی زنانه‌نگر، آلیسون جاگر^۳ به نقد دوگانه‌انگاری سنتی میان «عقل و احساس» می‌پردازد. جاگر استدلال می‌کند که اخلاق عدالت‌محور با به حاشیه راندن عواطف، در واقع ابزاری برای حفظ ساختارهای قدرت مسلط است. او تأکید دارد که عواطف - به ویژه در میان گروه‌های فرودست و به حاشیه رانده شده - فاقد ارزش نیستند؛ بلکه دارای ارزش معرفت‌شناختی^۴ پایه‌ای برای درک بی‌عدالتی می‌باشند (جاگر، ۱۹۸۹: ۱۵۶). از این منظر، مراقبت و عواطف مرتبط با آن نه یک ویژگی تقلیل‌گرایانه، بلکه پایگاهی برای بازایی عاملیت^۵ در برابر گفتمان‌های مسلط به شمار می‌روند.

در چارچوب نظریات اخلاق مراقبت، رویکرد زنانه به جهان بر مبنای یک هستی‌شناسی ارتباطی^۶ استوار است. نل نادینگز^۷ در بسط آرای گیلیگان، مراقبت را

1. Carol Gilligan

2. Interdependence

3. Alison Jaggar

4. Epistemological value

5. Agency

6. Relational Ontology

7. Nel Noddings

نه صرفاً یک احساس، بلکه یک کنش فعال و یک التزام اخلاقی در پاسخ به نیازهای دیگری تعریف می‌کند. در ساحت رفتار، این رویکرد از طریق مؤلفه‌هایی چون «توجه پذیرا»^۱ و اولویت دادن به حفظ حیات و پیوندهای انسانی نمود می‌یابد. در ساحت گفتار نیز زبان مراقبت‌محور به مکالمه، درک متقابل و پرهیز از گفتمان‌های سلسله‌مراتب‌محور و تخریب‌گر گرایش دارد (نادینگر، ۱۹۸۴: ۲۴). این زبان به جای تمرکز بر استدلال‌های انتزاعی تقابل‌جویانه، بر مفاهیمی چون التیام، همبستگی و مسئولیت‌پذیری در قبال رنج دیگری استوار می‌گردد.

هنگامی که این ابعاد رفتاری و گفتاری وارد ساحت ادبیات می‌شود، شالوده مفهوم زنانه‌نگری^۲ را در آفرینش متون پایه‌گذاری می‌کند. در خوانش‌های مرتبط با تاریخ زنان و مطالعات فرودستان، ادبیات فضایی است که در آن سوژه‌های حاشیه‌نشین، عاملیت تاریخی خود را بازمی‌یابند. تجلی مراقبت در شعر زنان، از طریق تغییر کانون توجه از کلان‌روایت‌های حماسی مبتنی بر غلبه و خشونت، به خرده‌روایت‌های انسانی (نظیر حفظ بقا، پرستاری از بازماندگان و بازسازی پس از ویرانی) رخ می‌دهد. در این پارادایم، مراقبت دیگر یک وظیفه منفعلانه تقلیل‌یافته نیست؛ بلکه به عنوان نوعی کنشگری و مقاومت در برابر گفتمان‌های سلطه‌بازنمایی می‌شود (محمود، ۲۰۰۵: ۳۲).

ترکیب مفهوم اخلاق مراقبت با فرم شعر، به خلق استعاره‌ها و نظام نمادین متمایزی می‌انجامد. شاعر زن با بهره‌گیری از تجربه زیسته زنانه، از مفاهیمی چون تیمار کردن، پناه دادن و درآغوش کشیدن، به عنوان ابزارهای زیبایی‌شناختی برای انتقال مفاهیم کلان ایدئولوژیک استفاده می‌کند. در این گونه از ادبیات، فرم‌های زبانی مبتنی بر مراقبت (مانند لالایی‌ها، مویه‌ها و واگویه‌های التیام‌بخش) که به طور سنتی فاقد بار سیاسی تلقی می‌شدند، به رسانه‌ای قدرتمند برای انتقال

1. Receptive Attention

2. Female Gaze

تاریخ، حفظ هویت و اعمال عاملیت اجتماعی تبدیل می‌گردند. در واقع، شعرِ مراقبت‌محور، مرزهای دوگانه میان فضای خصوصیِ عواطف و فضای عمومیِ کنشگری سیاسی را واسازی می‌کند.

۳-۲. مروری بر مفهوم عاملیت زنانه^۱ در مطالعات زنانه‌نگر

در مطالعات زنانه‌نگر، مفهوم «عاملیت» در عام‌ترین معنای خود بر ظرفیت سوژه برای کنشگری مستقل، انتخاب‌گری و تأثیرگذاری بر ساختارهای مسلط دلالت دارد. رویکردهای اولیه و لیبرال در فمینیسم، عاملیت را غالباً با مقاومت آشکار، طغیان علیه هنجارهای سنتی و تلاش برای خودمختاری^۲ فردی مترادف می‌دانستند (مک‌لیود، ۱۹۹۲: ۵۳۴). با این حال، با ظهور نقدهای پسااستعماری و بسط مطالعات فرودستان^۳ این خوانش تک‌بعدی از عاملیت مورد بازبینی جدی قرار گرفت. نظریه‌پردازان این حوزه‌ها استدلال کردند که عاملیت زنان در جوامع غیرغربی یا دیاسپورا را نمی‌توان صرفاً با معیارهای مقاومت لیبرال سنجید. عاملیت فرودستان و سوژه‌های به حاشیه‌رانده شده لزوماً در قالب کنش‌های رادیکال بروز نمی‌یابد؛ بلکه می‌تواند در استراتژی‌های روزمره بقا، شبکه‌سازی‌های عاطفی و بازخوانی معنادار سنت‌ها تجلی پیدا کند.

در همین راستا، صبا محمود در نقد درک سکولار از عاملیت، چارچوب نظری بدیعی را ارائه می‌دهد. وی استدلال می‌کند که عاملیت زنانه را نباید تنها در ظرفیت سوژه برای واسازی هنجارها فهمید؛ بلکه ظرفیت او برای «سکنی گزیدن» در هنجارها و به‌کارگیری آن‌ها برای خلق سوژگی اخلاقی نیز شکل قدرتمندی از عاملیت است

1. Women's Agency

2. Autonomy

3. Subaltern Studies

(Mahmood, 2005: 15). بر مبنای این رویکرد، زمانی که زنان در سنت‌های مذهبی مشارکت می‌کنند- خواه از طریق سوگواری، مراقبت یا اجرای آیین‌های جمعی- آن‌ها صرفاً پذیرندگان منفعل ساختارهای پدرسالار نیستند؛ بلکه آن‌ها با اتکا بر عاملیت خود، مفاهیمی نظیر «اخلاق مراقبت» را در جهت تثبیت هویت، اعمال نفوذ اجتماعی و ایجاد شبکه‌های همبستگی بازآفرینی می‌کنند.

در پیوند با ادبیات، عاملیت زنانه از طریق در اختیار گرفتن «صدای روایی»^۱ محقق می‌شود. زنان با عبور از جایگاه «ابرّه» در کلان‌روایت‌های تاریخی، به «سوژه»های کنشگری تبدیل می‌شوند که تاریخ را از منظر تجربه‌های زیسته خود بازنویسی می‌کنند. این چرخش معرفت‌شناختی، به سوژه‌های زن امکان می‌دهد تا نقش‌های به‌ظاهر حاشیه‌ای خود را از یک موقعیت فرودست، به فضایی برای اعمال قدرت مراقبت‌محور و مقاومت گفتمانی ارتقا دهند.

۳. بحث اصلی (تجزیه و تحلیل داده‌ها)

همان‌طور که در بخش مبانی نظری تبیین گردید، رویکرد «اخلاق مراقبت» با واسازی کلان‌روایت‌های مبتنی بر تقابل و خشونت، ظرفیت‌های جدیدی برای بازیابی عاملیت زنانه و کنشگری سوژه‌های حاشیه‌نشین فراهم می‌آورد. اکنون در این بخش از پژوهش، چارچوب نظری مذکور بر پیکره‌ای از متون ادبی نوظهور اعمال می‌گردد تا کارآمدی این الگو در ساحت ادبیات آیینی دیاسپورا مورد آزمون قرار گیرد. جامعه هدف در این تحلیل، اشعار و دکلمه‌های بانوان شاعر شیعه و انگلیسی‌زبان در بستر جامعه آمریکاست.

از آنجا که این شاخه از ادبیات مهاجرت شیعی- به‌ویژه تولیدات ادبی نسل جدید دیاسپورا در قالب دکلمه‌های اجراگر- پدیده‌ای نسبتاً بدیع محسوب می‌شود و متون آن تاکنون در فضای آکادمیک و ادبی داخل ایران به‌طور منسجم معرفی و ترجمه

نشده‌اند، ضرورتِ روش‌شناختیِ ایجاب می‌کند که پیش از ورود به تحلیل‌های گفتمانی، نمایی روشن از پیکره پژوهش ارائه گردد.

لذا در ادامه، ابتدا برگردانِ فارسی به همراه متنِ اصلیِ منتخبی از برجسته‌ترین اشعار این بانوان شاعر از جمله سیده فاطمه رضا^۱، بتول رضوی^۲، زینب حسین^۳، دعا زهرا عابدی^۴ و علیه رضوی بخاری^۵ آورده شده است. هدف از درجِ کاملِ این ابیات در گامِ نخست، آشناییِ ملموسِ مخاطب با فضای معنایی، اتمسفر زیبایی‌شناختی و ساختارِ زبانیِ این متون است. این اشعار در واقع ماده خام پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند و در زیربخش‌های تحلیلیِ بعدی (بخش‌های ۳-۱ تا ۳-۳)، استناداتِ نشانه‌شناختی، واکاویِ استعاره‌ها و واکاویِ شالوده‌شکنانه مفهوم «سوگ»، تماماً با ارجاعِ مستقیم به همین پیکره‌ی متنی صورت خواهد پذیرفت.^۶

۳-۱. شالوده‌شکنی از سوگ: از قربانی منفعل تا سوژه مقاوم

در خوانش‌های سنتی و کلان‌روایت‌های تاریخی، حضور زنان در رویدادهای تراژیک غالباً در قالب «سوگواران منفعل» بازنمایی می‌شود که کارکردی جز بازتاب احساسی رنج و برجسته‌سازیِ قهرمانیِ سوژه‌های مرد ندارند. با این حال، تحلیل محتوای دکلمه‌های شاعران زن شیعه در آمریکان نشان می‌دهد که این متون دست به یک شالوده‌شکنی بنیادین در مفهوم سوگ می‌زنند. عزاداری از یک واکنش عاطفی

1. Sayyeda Fatima Raza

2. Batool Rizvi

3. Zainab Hussain

4. Dua Zehra Abidi

5. Aliyyah Rizvi-Bokhari

۶. این اشعار به صورت آنلاین در سایت مجموعه اهل بیت موجود است که در تاریخ ۲ اسفند ۱۴۰۴ از سایت برداشته شده و ترجمه شده است. نشانی اشعار در این سایت است:

<https://ahlulbaytcollective.org/poetry/>

صرف، به یک «کنش سیاسی و روایی» ارتقا می‌یابد. بتول رضوی در شعر خود، این سوگواری را از یک انفعال خاموش به یک کنش کیهانی و بیدارگر تبدیل می‌کند، آنجا که می‌گوید: «ما خورشید را بیدار خواهیم کرد / و آن را به سوگواری دعوت می‌کنیم / زیرا مصیبت زینب هیچ چشمی را خشک نمی‌گذارد.» نظریه پردازان حوزه تروما و مطالعات زنانه‌نگر، عمل «شهادت دادن» و روایتگری را یکی از اصلی‌ترین ارکان بازبانی عاملیت برای سوژه‌های آسیب‌دیده می‌دانند (فلمن و لاوب، ۱۹۹۲: ۴۵). در این راستا، شاعران دیاسپورا سوگ را ابزاری برای بازتعریف زیبایی‌شناسی مقاومت می‌دانند؛ همان‌گونه که سیده فاطمه رضا تصریح می‌کند: «ما کسانی هستیم که زیبایی را یافتیم، / در هیچ چیز جز یک تراژدی.»

در کانون این بازنمایی مقاوم، شخصیت حضرت زینب^(س) قرار دارد. دکلمه‌های انگلیسی‌زبان، ایشان را نه به عنوان یک بازمانده درهم شکسته؛ بلکه به عنوان «مؤلف ثانویه» و فرمانده خط مقدم روایتگری پس از پایان تقابل نظامی به تصویر می‌کشند. زینب حسین در شعر خود، دقیقاً همین عاملیت قدرتمند را با ادبیاتی حماسی و زنانه‌نگر بازتولید کرده و می‌سراید:

«زینب به عبارت ارتش یک نفره زنانه معنا می‌بخشد. / تا دندان مسلح است،
اما هیچ‌کس نمی‌بیند، / که شجاعت تنها سلاحی است که او نیاز دارد، / در نبرد
علیه شر و استبداد.» شاعر با انتخاب این کلمات نشان می‌دهد که چگونه زبان مبتنی بر مراقبت و شجاعت اخلاقی، بر قدرت نظامی غلبه می‌یابد. در واقع، شاعر زن با ایستادن در برابر مخاطب، عاملیت روایی حضرت زینب^(س) را در فضای معاصر بازتولید می‌کند و تأکید دارد که این مقاومت امری تاریخی و پایان‌یافته نیست: «تا زمانی که یزیدهایی هستند، زینب‌هایی نیز خواهند بود، / ما میوه‌هایی هستیم که او بذرهایش را کاشت.»

از سوی دیگر، بازنمایی نقش‌های مادرانه در این اشعار، نمونه‌ای روشن از تبدیل مراقبت‌های سنتی به سوژه‌گی مقاوم است. سوگ مادرانه در این متون از یک مرثیه فردی خارج شده و به ابزاری برای انتقال بین‌نسلی آگاهی تبدیل می‌گردد. سیده فاطمه رضا در شعر «لالایی ای بی‌مانند»، لالایی را که نمادین‌ترین کنش مراقبتی زنانه است، به رسانه‌ای برای روایتگری تاریخ بدل می‌کند: «این کلماتی که مادرانمان می‌خوانند، لالایی ای است بی‌مانند... ما از آسمان‌های خونین شنیدیم / گریه‌های کودکان / داستان افتاده / بر روی شن‌های سوزان». همان‌طور که در نقد انسان‌شناختی زنانه‌نگر اشاره می‌شود، ابراز علنی اندوه توسط زنان می‌تواند نوعی مقاومت آگاهانه در برابر گفتمان‌های مسلطی باشد که در پی تحمیل فراموشی هستند (ابولغد، ۱۹۸۶: ۲۳۳). در اشعار این زنان، پافشاری بر سوگواری و آموزش آن از طریق «لالایی»، در واقع کنشی برای تثبیت حافظه تاریخی و جلوگیری از تحریف وقایع توسط نظام‌های سلطه است؛ لالایی‌هایی که به تعبیر شاعر «در وجود ما حک شده‌اند».

بدین ترتیب، زنان کربلا در این گفتمان شعری، از حاشیه تاریخ به مرکز آن منتقل می‌شوند. آن‌ها ابژه‌هایی نیستند که تاریخ بر آن‌ها اعمال شده باشد؛ بلکه سوژه‌هایی هستند که با استفاده از استقامت عاطفی و اخلاق مراقبت، مسیر تاریخ را پس از بحران هدایت کرده و بقای ایدئولوژیک یک جریان فکری را تضمین می‌نمایند.

۲-۳. تجلی اخلاق مراقبت در استعاره‌های شاعرانه

در بررسی متن دکلمه‌های شاعران زن شیعه، یک چرخش معنادار در میدان واژگانی^۱ مشاهده می‌شود؛ به این معنا که نظام معنایی^۲ مردانه و خشن جنگ (مبتنی بر شمشیر و تقابل فیزیکی) جای خود را به واژگان مراقبت‌محور (مانند آغوش، پناه و

1. Lexical Field

2. Episteme

تسلی) می‌دهد. برای نمونه، در شعر دعا زهرا عابدی، دال‌های مرکزی نه بر جنگاوری؛ بلکه بر مفاهیم حمایت‌گرانه استوار است؛ او در توصیف حضرت عباس^(ع) از «حصار [پتوی] محافظتی» و «احساس امنیتی» سخن می‌گوید که برای کودکان خیمه‌ها فراهم می‌شود، و عالی‌ترین شکل فداکاری را در «آوردن یک لیوان آب سرد برای یکی از اعضای خانواده» تصویر می‌کند. به همین ترتیب، در شعر علیه رضوی بخاری، کانون پناه در تقابل با جهان بیرون، در استعاره‌ی «خوابیدن بر سینه پدر» و بازگشت به «آشیانه» نمودار می‌شود. از منظر اخلاق مراقبت، حفظ روابط انسانی و تلاش برای کاهش رنج دیگری، هسته مرکزی عمل اخلاقی است. در این ساختار تحلیلی، تیمار کردن بازماندگان-همان‌گونه که در شعر بتول رضوی با عبارت «تلاشی برای تسلی دادن به قلبی لرزان» توصیف می‌شود-فراتر از یک وظیفه عاطفی ساده، به معنای حفظ بقای ایدئولوژیک یک جریان در برابر خشونت سیستماتیک بازنمایی می‌شود.

یکی از برجسته‌ترین مضامین در این اشعار، موتیف لالایی در میانه جنگ و بحران است. سارا رادیک در نظریه «تفکر مادرانه» استدلال می‌کند که پراتیک‌های مرتبط با مادری و حفظ حیات در برابر نیروهای نابودگر، در ذات خود یک کنش رادیکال و ضدجنگ است (رادیک، ۱۹۸۹: ۶۵). این مفهوم به‌طور مستقیم در شعر سیده فاطمه رضا متجلی است؛ او لالایی را از کارکرد آرام‌بخش سنتی خارج کرده و به ابزاری برای انتقال آگاهی انتقادی بدل می‌سازد: «این کلماتی که مادرانمان می‌خوانند لالایی‌ای است بی‌مانند / در حالی که دیگران از شادی و خنده می‌گفتند لالایی‌های ما قلب را درهم می‌شکست.» این عمل کلامی نشانه ضعف احساسی نیست؛ بلکه یک پادگفتمان است که آموزه‌های مقاومت را به نسل بعد منتقل می‌کند (چنان‌که شاعر تأکید می‌کند: «آموزه‌های این لالایی‌ها / در وجود ما حک شده‌اند»). لالایی در اینجا کارکردی هستی‌شناختی می‌یابد که هدف آن، بازگرداندن عاملیت عاطفی در فضایی آکنده از بی‌عدالتی است.

علاوه بر این، تمرکز شاعران بر نقش‌های مراقبتی، دوگانه‌انگاری‌های پدرسالارانه را واسازی می‌کند. در گفتمان‌های سنتی، غالباً جنگاوری فیزیکی با «شجاعت»، و مراقبت با «ضعف» پیوند خورده است. با این حال، جوآن ترونتو در تبیین سیاسی اخلاق مراقبت تأکید می‌کند که ایستادگی و رسیدگی به افراد آسیب‌پذیر در یک محیط خصمانه، نیازمند بالاترین سطح از شجاعت اخلاقی است (ترونتو، ۱۹۹۳: ۱۱۲). زینب حسین این واسازی مفهومی را به صریح‌ترین شکل بیان می‌کند و شجاعت اخلاقی فارغ از جنگ‌افزار را برترین سلاح زنانه در برابر استبداد می‌داند: «تا دندان مسلح است، اما هیچ‌کس نمی‌بیند که شجاعت تنها سلاحی است که او نیاز دارد». شاعران دیاسپورا به مخاطب نشان می‌دهند که مقاومت نهایی در رادیکال‌ترین فرم عشق محافظت‌کننده نهفته است؛ مفهومی که در شعر شاعر بی‌نام به صورت تلاشی وفادارانه برای حفظ رنج عشق تصویر می‌شود. ... و در شعر دیگر سیده فاطمه رضا به عنوان نیرویی جاودانه و تغییردهنده جغرافیا بازنمایی می‌گردد: «عشقی که برای همیشه باقی می‌ماند / حک شده بر دشت‌های کربلا».

این رویکرد، ما را به نقطه اوج تحلیل هدایت می‌کند؛ جایی که تحلیل‌های متنی پیشین با بافتار جامعه‌شناختی پیوند می‌خورد. در بخش بعدی (۳-۳)، با استفاده از مفاهیم «تقاطع‌نگری» و نقد فمینیسم پسااستعماری، نشان می‌دهیم که چرا شاعران زن شیعه در آمریکا، گفتمان «اخلاق مراقبت» را به عنوان استراتژی اصلی خود در بستر دیاسپورا برگزیده‌اند.

۳-۳. بستر دیاسپورا: تقاطع هویت شیعی و فمینیسم آمریکایی

حضور و زیست زنان شاعر شیعه در بستر دیاسپورای آمریکا، فضایی هویتی ایجاد می‌کند که کیمبرلی کرنشاو (Kimberlé Crenshaw) آن را تحت عنوان «تقاطع‌نگری» (Intersectionality) صورت‌بندی می‌نماید. در این فضا، سوژه زن مسلمان همزمان در تقاطع چند محور از حاشیه‌نشینی (مذهب اقلیت، تبار مهاجر و جنسیت) قرار

دارد (کرنشاو، ۱۹۸۹: ۱۴۰). قرارگیری در چنین مختصاتی، شاعران دیاسپورا را وامی‌دارد تا برای تثبیت هویت و احیای عاملیت خود، دست به یک بازخوانی انتقادی از سنت‌های دینی بزنند که هم پاسخگوی نیازهای درون‌گروهی باشد و هم بتواند در برابر گفتمان هژمونیک فمینیسم غربی ایستادگی کند. در این راستا، برجسته‌سازی «اخلاق مراقبت» در بازروایت حماسه اهل بیت^(ع)، کارکردی دوگانه و استراتژیک می‌یابد.

از یک سو، این رویکرد پاسخی است به خوانش‌های تقلیل‌گرایانه و شرق‌شناسانه (Orientalist) در فمینیسم جریان اصلی غرب. چاندرا موهانتی در نقد فمینیسم غربی استدلال می‌کند که این گفتمان غالباً زن مسلمان را به عنوان «قربانی منفعل» ساختارهای پدرسالار و نیازمندِ رهایی‌بخشی توسط غرب بازنمایی می‌کند (موهانتی، ۱۹۸۸: ۶۵)؛ رویکردی که لیلا ابولغد نیز نسبت به آن تحت عنوان گفتمان «نجات زن مسلمان» هشدار می‌دهد (ابولغد، ۲۰۰۲: ۷۸۴). شاعران زن شیعه با استفاده از دکلمه‌های خود، این کلیشه‌های شرق‌شناسانه را واسازی می‌کنند. آن‌ها عاملیت را نه در ارزش‌های لیبرال غربی؛ بلکه به شکلی درون‌ماندگار در تاریخ شیعی می‌یابند. به عنوان مثال، زینب حسین در شعر خود مستقیماً در برابر تصویر «زن نیازمندِ نجات» می‌ایستد و با بازآفرینی قدرت حضرت زینب^(س) در مدیریت بحران، اعلام می‌کند: «زینب به عبارت ارتش یک نفره‌ی زنانه معنا می‌بخشد / تا دندان مسلح است، اما هیچ‌کس نمی‌بیند / که شجاعت تنها سلاحی است که او نیاز دارد». همچنین، سیده فاطمه رضا با مقایسه هنجارهای تربیتی غربی و شیعی، نشان می‌دهد که توانمندی آن‌ها از دل همین روایت‌های به‌ظاهر سوگوارانه زاده می‌شود: «در حالی که دیگران از شادی و خنده می‌گفتند / لالایی‌های ما قلب را درهم می‌شکست». او به جامعه غربی یادآور می‌شود که این هویت، مستقل و خودبنیاد است.

از سوی دیگر، این خوانش مراقبت‌محور دارای یک کارکرد انتقادی درون‌گفتمانی نیز هست. در برخی از خوانش‌های سنتی از واقعه عاشورا، نقش زنان به عزاداری صرف

محدود می‌شود. با این حال، شاعران دیاسپورا آگاهانه کانون توجه را از «میدان نبرد مردانه» به «مدیریت زنانه و مراقبت پس از نبرد» تغییر می‌دهند. علیه رضوی بخاری با تغییر زاویه دید به یک کودک خردسال «چشمانی چهار ساله اما به قدمت قرن‌ها که در میانه جنگ آرزویی جز خوابیدن بر سینه پدر» ندارد، ابعاد عاطفی تراژدی را در کانون توجه قرار می‌دهد. در این پارادایم، سوگواری برای این فقدان عاطفی، از یک واکنش منفعل به یک فراخوان کیهانی برای دادخواهی بدل می‌شود؛ همان‌گونه که بتول رضوی می‌سراید: «ما خورشید را بیدار خواهیم کرد / و آن را به سوگواری دعوت می‌کنیم ازیرا مصیبت زینب هیچ چشمی را خشک نمی‌گذارد». حتی حفظ و مراقبت از این رنج درونی، در شعر شاعر بی‌نام به یک کنش وفادارانه برای تداوم حافظه تاریخی تفسیر می‌شود: «این سوراخ را به عنوان چیزی برای یادآوری تو نگه داشته‌ام».

در نتیجه، تبدیل مفاهیمی چون مادری، پرستاری و حفظ شبکه‌های خویشاوندی به بالاترین فرم کنشگری، نشان می‌دهد که زیست در بستر آمریکا به این شاعران امکان داده است تا در یک فضای سوم ترکیبی بدیع از الهیات روایی شیعه و اخلاق زنانه‌نگر مراقبت‌محور خلق کنند که در آن سوگ، نه نشانه انقیاد؛ بلکه ابزار رهایی‌بخشی و مقاومت است.

۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی تحول مفاهیم سوگ و عاملیت در دکلمه‌های انگلیسی‌زبان بانوان شاعر شیعه در آمریکا، و با تکیه بر نظریه اخلاق مراقبت انجام یافت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این آثار ادبی، فراتر از یک مرثیه‌سرایی سنتی، بستری برای یک چرخش گفتمانی از انفعال به سمت کنشگری سوزنه زنانه فراهم آورده‌اند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها را می‌توان در سه محور زیر خلاصه نمود: نخست؛ شالوده‌شکنی از مفهوم سوگ؛ نتایج نشان داد که در این اشعار، سوگ

از یک واکنش عاطفی درونی به یک کنش روایی و شهادت تاریخی تبدیل شده است. شاعران با بازتعریف سوگواری به عنوان ابزاری برای حفظ حافظه تاریخی در برابر قدرت‌های سلطه، نشان دادند که گریستن بر مصائب اهل بیت (ع)، نه نشانه درماندگی؛ بلکه نوعی مقاومت آگاهانه و استراتژی‌ای برای بیداری است. دوم؛ بازآفرینی عاملیت از طریق اخلاق مراقبت: تحلیل استعاره‌های شاعرانه (نظیر لالایی، حصار محافظتی و تیمار) ثابت کرد که این شاعران، نقش‌های مراقبتی زنان در واقعه عاشورا را به عنوان بالاترین سطح از شجاعت اخلاقی و تفکر مادرانه بازنمایی می‌کنند. در این پارادایم، مراقبت نه یک وظیفه فرودستانه؛ بلکه ارتش یک نفره‌ای است که بقای فیزیکی و فکری جریان حق را در بحرانی‌ترین لحظات تاریخ تضمین کرده است. این یافته، دوگانه‌انگاری‌های سنتی میان جنگاوری (شجاعت مردانه) و مراقبت (ضعف زنانه) را به طور کامل واسازی می‌کند. سوم؛ کارکرد هویت‌بخش در بستر دیاسپورا: نتایج در بخش تحلیل جامعه‌شناختی نشان داد که انتخاب گفتمان اخلاق مراقبت توسط شاعران در آمریکا، یک استراتژی هوشمندانه در پاسخ به تقاطع‌نگری هویتی آن‌هاست. این بانوان با برجسته‌سازی قدرت مراقبت محور زنان اهل بیت، از یک سو به نقد خوانش‌های مردسالارانه در جوامع سنتی پرداخته و از سوی دیگر، کلیشه‌های شرق‌شناسانه مبنی بر قربانی بودن زن مسلمان را در فضای فمینیسم غربی به چالش کشیده‌اند. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که دکلمه‌های بانوان شیعه در آمریکا، فضای سومی را خلق کرده‌اند که در آن، مفاهیم عمیق الهیاتی با مطالبات مدرن برای عاملیت زنانه پیوند خورده است. این ادبیاتِ نوظهور ثابت می‌کند که سنت شیعی دارای پتانسیل‌های درونی عظیمی برای تولید پادگفتمان‌های رهایی‌بخش است که می‌تواند به عنوان الگویی برای بازخوانی نقش زنان در دیگر جوامع اسلامی، از جمله ایران، مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

فهرست منابع

۱. اسلامی، سید حسن (۱۳۸۷). «جنسیت و اخلاق مراقبت». مطالعات راهبردی زنان. ۱۱۵. ش ۴۲. صص ۷-۴۲.
۲. سیفی، طیبه و انصاری، نرجس (۱۳۹۳). «حضرت زینب در آینه شعر عاشورایی معاصر فارسی و عربی». مجله علمی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی. د ۱۰. ش ۳۱. صص ۱-۱۸.
۳. کیانی، مرثده (۱۴۰۲). «بازتولید گفتمان سنتی - عاطفی ادراک زنان زائر کربلا از امام حسین^(ع) و عاشورا». دین پژوهی و کارآمدی. د ۳. ش ۳. صص ۸۳-۹۹.
4. Abu-Lughod, L. (1986). *Veiled Sentiments: Honor and Poetry in a Bedouin Society*. University of California Press.
5. Abu-Lughod, L. (2002). Do Muslim Women Really Need Saving? Anthropological Reflections on Cultural Relativism and Its Others. *American Anthropologist*, 104(3), 783-790.
6. Crenshaw, K. (1989). Demarginalizing the Intersection of Race and Sex: A Black Feminist Critique of Antidiscrimination Doctrine. *Feminist Theory and Antiracist Politics*. University of Chicago Legal Forum, 1989(1). 139-167.
7. Felman, S & Laub, D. (1992). *Testimony: Crises of Witnessing in Literature. Psychoanalysis, and History*. Routledge.
8. Gilligan, C. (1982). *In a Different Voice: Psychological Theory and Women's Development*. Harvard University Press.
9. Jaggar, A. M. (1989). Love and knowledge: Emotion in feminist epistemology. *Inquiry*. 32(2). 151-176.
10. Kohlberg, L. (1981). *Essays on Moral Development, Vol. I: The Philosophy of Moral Development*. Harper & Row.

11. MacLeod, A. E. (1992). Hegemonic relations and gender resistance: The new veiling as accommodating protest in Cairo. *Signs: Journal of Women in Culture and Society*, 17(3), 533–557.
12. Mahmood, S. (2005). *Politics of Piety: The Islamic Revival and the Feminist Subject*. Princeton University Press.
13. Mahmood, S. (2005). *Politics of Piety: The Islamic Revival and the Feminist Subject*. Princeton University Press.
14. Mohanty, C. T. (1988). Under Western Eyes: Feminist Scholarship and Colonial Discourses. *Feminist Review*, (30), 61–88.
15. Noddings, N. (1984). *Caring: A Feminine Approach to Ethics and Moral Education*. University of California Press.
16. Ruddick, S. (1989). *Maternal Thinking: Toward a Politics of Peace*. Beacon Press.
17. Safran, W. (1991). Diasporas in modern societies: Myths of homeland and return. *Diaspora: A Journal of Transnational Studies*. 1(1), 83–99.
18. Tronto, J. C. (1993). *Moral Boundaries: A Political Argument for an Ethic of Care*. Routledge.

